

Abstract

It is necessary to consider the nature, origin, purpose and instrument of US unilateral sanctions against Iran and to assess it in accordance with the rules of international law derived from the instruments of international trade law and economic rules that States are required to comply with. In this descriptive-analytical study, the legitimacy of US cross-border sanctions from the perspective of international law has been examined. The results of the study show that according to the basic principles of public international law and the provisions of international documents of the United Nations system, unilateral US sanctions against Iran have no legal validity and its moral legitimacy is excluded from the perspective of humanitarian requirements. The imposition of unilateral US economic sanctions on Iran has put severe economic pressure on the Iranian people and the adverse effects of indicators such as inflation, devaluation of the national currency, economic recession, reduced purchasing power, travel and trade restrictions, unemployment and ... Destructive damage, especially to the middle class and the economically vulnerable. Due to the unfavorable economic conditions and economic crisis governing the livelihood of the Iranian people, the violation of their basic human rights, including the right to life, the right to health, the right to a dignified life, the right to shelter, food and basic necessities, the right to freedom of travel and trade. It violates the right to economic and social development, etc., and is clearly contrary to humanitarian requirements.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۱، صص ۴۳۴۳-۴۳۲۶

تحلیل اقتصادی تحریم‌های فرامرزی آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل

مریم احمدپور^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۴

فرید آزادبخت (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۴

مهدی حاتمی^۳

چکیده

توجه به ماهیت، منشأ، غایات و ابزار اعمال تحریم‌های یک‌جانبه‌ی ایالات متحده آمریکا علیه ایران و ارزیابی آن با معیار قواعد بین‌المللی مستخرج از اسناد حقوق تجارت بین‌المللی و قواعد اقتصادی که دولت‌ها ملزم به رعایت آن‌ها هستند، ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، مشروعیت تحریم‌های فرامرزی آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی و مفاد اسناد بین‌المللی نظام ملل متحد تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و جاهت قانونی ندارد و از منظر بایسته‌های بشردوستانه مشروعیت اخلاقی آن نیز منتفی است. اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا علیه ایران موجب شده است فشارهای اقتصادی شدید بر مردم ایران تحمیل شود و آثار سوء مربوط به شاخص‌هایی مانند تورم، کاهش ارزش پول ملی، رکود اقتصادی، کاهش قدرت خرید، محدودیت مسافرت و تجارت، نرخ بیکاری و ... آسیب‌های ویرانگری به ویژه نسبت به طبقه متوسط و اقشار آسیب‌پذیر اقتصادی در پی داشته باشد. با توجه به شرایط اقتصادی نامطلوب و بحران اقتصادی حاکم بر معیشت مردم ایران، نقض حقوق بشری اساسی آن‌ها از جمله حق حیات، حق بر سلامتی و بهداشت، حق زندگی شرافتمندانه، حق بر سرپناه، غذا و نیازهای ضروری، حق آزادی مسافرت و تجارت، حق بر توسعه اقتصادی و اجتماعی و ... را نقض کرده و آشکارا مغایر با بایسته‌های بشردوستانه نمود می‌یابد.

واژگان کلیدی

تحلیل اقتصادی حقوق، تحریم‌های فرامرزی، آمریکا، راهکارهای مقابله با تحریم

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۳ استادیار، گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

در ساده‌ترین بیان متصور، تحلیل اقتصادی حقوق عبارت است از «استفاده ابزاری از حقوق برای رسیدن به کارایی»^۱. رویکرد تحلیل اقتصادی در مطالعات حقوقی بر محور موضوع خاص هدف مطالعه در پروژه‌ی پیشنهادی، کارایی اقتصادی و یا به عبارت بهتر سودمند کردن بیشینه‌ی فرصت‌های موجود از طریق تعدیل بیشینه‌ی آثار تحریم‌های یک‌جانبه‌ی ایالات متحده آمریکا شکل می‌گیرد و از این منظر «برای سودمندتر کردن تحریم‌های اقتصادی باید تلاش شود تا محدودیت‌هایی انسانی‌تر و در عین حال مؤثر تدوین شود و روش‌های بین‌المللی کارآمد و مؤثر برای تصمیم‌گیری در مورد استفاده از زمان استفاده از آن‌ها ایجاد شود و در ایجاد مجازاتی قانونی‌تر، انسانی‌تر و مؤثرتر عمل نمایند»^۲. با این اوصاف پرداخت به بنیادهای حقوق بشردوستانه به منظور تبیین محدودیت‌هایی که وفق بایسته‌های بین‌المللی می‌بایست بر تحریم‌ها بار شود، از طریق آسیب‌هایی که تحریم مستقیم یا غیرمستقیم به اقتصاد و به طریق اولی مردم ایران به عنوان جمعیت غیرنظامی تحمیل می‌کند، لابد می‌نماید.

این امر بدیهی است که هر تحریم اقتصادی، به هر شکلی که باشد و حتی اگر از سوی نهادهای بین‌المللی صلاحیت‌دار و مبتنی بر بایسته‌های پذیرفته شده و نهادینه‌ی حقوق بین‌الملل مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد و بر اساس منشور ملل متحد اعمال شود، «می‌تواند تأثیرات منفی بر روی شهروندان دولت‌های هدف [تحریم] داشته باشد»^۳ و در هر صورت این آثار سوء بر مردم به عنوان امری لابد نمود می‌یابد؛ چه بسا «تقریباً در تمامی سیستم‌های تحریم سازمان ملل متحد، افراد به طور مستقیم تأثیر می‌پذیرند»^۴. اما بر مبنای همان بایسته‌های نهادینه‌ی نظام حقوق بین‌الملل، تحریم‌هایی که مردم یک کشور را در معرض آسیب‌های شدید قرار دهد، نمی‌تواند مشروعیت داشته و توجیه‌پذیر باشد. چه تحریم‌های اقتصادی از لحاظ حقوق بشری یا بایسته‌های حقوق بشردوستانه می‌تواند آثار متعددی بر مردم تابع دولت هدف تحریم داشته باشد و حقوق

^۱ نوری، جعفر و آخوندی، عبدالرشید (۱۳۹۲)، «تحلیل اقتصادی حقوق در باب مرور زمان»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره ۵، ص ۳۵.

^۲ Caruso, Raul (2010), "The impact of international economic sanctions on trade empirical analysis", Cattolica Del Sacro Cuore University, Milan.

^۳ علیزاده، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۲۶، ص ۷۵.

^۴ Birkhauser, Noah (2018), "Sanctions of the Security Council against Individuals – Some Human Rights Problems", European Society of International Law, <<http://www.esil-sedi.org/english/pdf/Birkhauser.pdf>>, May 2018.

اشخاص را «شامل بر حق زندگی، حق سلامتی، حقوق مالکیت، آزادی نقل مکان، آزادی انتخاب محلی مناسب برای اقامت، حق برخورداری از حریم خصوصی و احترام به زندگی خانوادگی در معرض تهدید قرار گیرند»^۱. از طرفی «اجبار اقتصادی [ماحصل تحریم‌های شدید اقتصادی] باعث ناامیدی اقتصادی بیشتر به ویژه در بین شهروندان متوسط به دلیل تأثیر انسان دوستانه تحریم‌ها بر افزایش فقر، بیکاری و شکاف توزیع درآمد می‌شود. رشد ناامیدی و احساس بی‌عدالتی انگیزه‌های مهمی برای ظهور اعمال خشونت‌آمیز در سطح جامعه و همچنین افراد است»^۲. بنابراین آسیب‌هایی که تحریم‌های یک‌جانبه‌ی دولت آمریکا علیه ایران در پی دارد، هر چند مدعی بر اینکه هدف دولت ایران است و نه مردم ایران، می‌تواند با فلج کردن اقتصادی و فشار ویرانگر بر معیشت مردم و آثار فاجعه‌باری که در نتیجه‌ی بار روانی این فشارها می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و اقتصادی دامن بزند، قابل انکار نیست.

۲- مفهوم‌شناسی مجازات بین‌المللی و تحریم اقتصادی

مجازات‌های بین‌المللی را می‌توان از حیث محتوا به انواع مختلف تقسیم‌بندی کرد. از نظر محتوا با موضوع، چندین نوع مجازات قابل تشخیص است؛ از اقدامات نظامی گرفته تا مجازات (تحریم)‌های اقتصادی تا تحریم‌های مسافرتی و محدودیت شرکت در بازیهای المپیک. محققان به منظور تمییز مجازات‌های اقتصادی از مفاهیم مشابه دیگر و یا کلاً اشکال دیگر اجبار غیر نظامی می‌کوشند تعریف جامعی از مجازات اقتصادی ارائه دهند و از اینرو اصطلاحات مختلفی تا کنون به کار برده‌اند که همیشه ناظر به پدیده واحدی نبوده است: «جنگ اقتصادی»^۳، «تجاوز اقتصادی»^۴، «اجبار اقتصادی»^۵ و «تحریم»^۶، نمونه‌هایی از این تعابیر و اصطلاحات است. اما صرف نظر از این اختلاف، اصطلاح مجازات‌های اقتصادی از دهه ۱۹۹۰ به نحوی فزاینده، عنوانی عام‌الشمول برای مجموعه اقدامات یک‌جانبه یا چندجانبه تحریمی و محدودکننده‌ای بوده که عمدتاً علیه اقتصاد دولت‌های فردی به کار رفته است.

با وجود اختلاف نظرات فراوان راجع به کارایی، اثربخشی، قانونی بودن، اخلاقی بودن و اساساً مشروعیت تحمیل مجازات‌های اقتصادی، در یک چیز اتفاق نظر وجود دارد و آن اینکه هدف نهایی

¹ Birkhauser, 2018, Ibid.

² Peksen, Dursun (2017), "Socio-Economic and Political Consequences of Economic Sanctions for Target and Third-Party Countries", University of Memphis, p 101.

³ Economic warfare.

⁴ Economic aggression.

⁵ Economic Coercion.

⁶ Embargo.

مجازات‌های اقتصادی ایجاد لطمات و مشکلات اقتصادی در سرزمین تحت مجازات است؛^۱ به این امید که این وضع در نهایت منجر به تغییر رفتار یا اصلاح سیاست‌های دولت تحت مجازات شود.^۲ مجازات‌های اقتصادی معمولاً دو نوع است: مجازات‌های تجاری و مجازات‌های مالی. مجازات‌های تجاری، واردات و صادرات را از کشور تحت مجازات و به مقصد آن محدود می‌کنند.^۳ مجازات‌های مالی ناظر به مرادوات پولی و بانکی است و می‌تواند شامل بلوکه کردن دارایی‌های کشور تحت مجازات در خارج، محدودیت ورود به بازارهای مالی و گرفتن وام و اعتبار، محدودیت پرداخت‌های بین‌المللی و نیز فروش املاک در خارج شود.^۴

ظریف و میرزایی (۱۳۷۵) به نقل از جان گالتونگ^۵ تحریم‌ها را اینگونه تعریف می‌کنند: «اقداماتی که یک یا چند بازیگر بین‌المللی علیه یک یا چند بازیگر دیگر به منظور یک یا هر دو هدف زیر به عمل می‌آورند: تنبیه طرف مقابل با محروم ساختن آن از برخی چیزها که برای آن ارزش دارد، یا وادار ساختن طرف مقابل به رعایت بعضی هنجارها که برای طرف اقدام‌کننده حائز اهمیت است^۶». امیر ساعد وکیل، تحریم‌ها را انصراف یا تهدید به انصراف از روابط مرسوم تجاری یا مالی به طور عامدانه و به ابتکار عمل یک دولت تعریف می‌کند. از نظر وی، از واژه تحریم‌های اقتصادی می‌توان برای اشاره به آن دسته از اقدامات غیر نظامی استفاده کرد که بر گردش کالا، خدمات یا دارایی مالی یک دولت مشخص، به منظور تنبیه یا اجبار آن به اتخاذ اهداف سیاسی خاص، تأثیر منفی می‌گذارد.^۷ تحریم‌ها همچنین به عنوان مجموعه‌ای از اقدامات غیر نظامی تعریف شده‌اند که با قصد لطمه به وضعیت اقتصادی جمعیت عادی یا غیر نظامی، و با انگیزه اجبار یا تغییر رفتار یک دولت، با مشارکت یک یا چند کشور به طور مستقل یا در چارچوب یک نهاد بین‌المللی

^۱ ممتاز، جمشید (۱۳۶۰)، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۲۲، ص ۱۷.

^۲ فرخ‌سیری، منصور (۱۳۸۷)، محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی، حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹، ص ۳۱.

^۳ Caruso, Raul (2010), "The impact of international economic sanctions on trade empirical analysis", Cattolica Del Sacro Cuore University, Milan, P 301.

^۴ نوری، جعفر و آخوندی، عبدالرشید (۱۳۹۲)، تحلیل اقتصادی حقوق در باب مرور زمان، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۵، ص ۳۷.

^۵ John Galtung

^۶ ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید (۱۳۷۵)، مباحث حقوق بین‌الملل: تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه ایران، سیاست خارجی، شماره ۴۱، ص ۹۰.

^۷ ساعدوکیل، امیر و تحصیلی، زهرا (۱۳۹۳)، ایران و تحریم‌های بین‌المللی، چاپ اول، تهران: مجد، ص ۲۲.

اعمال می‌شوند.^۱ تحریم‌ها به طور عمومی سه هدف اصولی و بنیادین متفاوت دارند: اجبار یا تغییر رفتار کشور هدف، بازداشتن کشور هدف از ورود به یک فعالیت ممنوعه، نشان‌دار (لکه‌دار) کردن کشور هدف به موجب نقض یک هنجار بین‌المللی.^۲ تحریم یکجانبه معمولاً توسط کشورها و به عنوان یک ابزار سیاست خارجی برای اصلاح رفتار سیاسی کشور هدف اعمال می‌شوند. این تحریم‌ها با اعمال قوانین ملی یک کشور به طور فراسرزمینی و در مغایرت با اصول صلاحیت تحت حقوق بین‌الملل تحمیل می‌شوند.^۳

۳- تحلیل اقتصادی حقوق

هر چند در کتب مربوط به تحلیل اقتصادی حقوق، به ندرت به ارائه تعریفی از این اصطلاح پرداخته‌اند، ولی بنا به تعریف یکی از صاحب‌نظران، در دانشنامه فلسفی استانفورد، «تحلیل اقتصادی حقوق» عبارت است از «به کارگیری ابزارهای نظریه اقتصاد خرد در تحلیل قواعد و نهادهای حقوقی»^۴. در خصوص این تعریف، ذکر چند نکته ضروری است. اول اینکه وقتی سخن از تحلیل اقتصادی «حقوق» می‌رود، باید توجه داشت که واژه «حقوق» در معانی گوناگونی به کار رفته است.^۵ گاه حقوق به معنای مجموعه قواعد حقوقی می‌باشد.^۶ در این معنا حقوق مجموعه قواعدی الزام‌آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود.^۷ بنابراین وقتی در علم حقوق، بیان می‌شود که قانون، عرف، رویه قضایی و دکترین منابع حقوق هستند، واژه حقوق در این معنا به کار گرفته شده است.^۸ برخی از متفکران و محققان، وقتی سخن از تحلیل اقتصادی حقوق می‌نمایند، به تحلیل اقتصادی قواعد حقوقی به ویژه قواعد حقوقی نظام «حقوق عرفی»^۹ نظر دارند.

^۱ عنابستانی، ابوالحسن (۱۳۹۲)، تحریم‌های اقتصادی و حقوق بنیادین بشر، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ص ۳۲.

^۲ The Geneva Graduate Institute, 2012, p.9.

^۳ AALCO, Ibid, p 19.

^۴ Kornhauser, Lewis (2017), "The Economic Analysis of Law", The Stanford Encyclopedia of philosophy, Edward N. Zalta (ed.).

^۵ نک: کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ بیست و سوم، تهران: سهامی انتشار: صص ۱۲ - ۱۶ و جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ پنجم، تهران: کتابخانه گنج دانش: صص ۱۲ - ۱۳ و علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۷)، مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق: جستاری در نظریه‌های جامعه‌شناسی حقوق و بنیادهای حقوق ایران، چاپ اول، تهران: سمت، صص ۳۳-۳۲.

^۶ law or legal rules.

^۷ کاتوزیان (۱۳۷۷)، پیشین، ص ۵۸.

^۸ همان، صص ۱-۲.

^۹ common law.

نکته دیگر این است که در ادبیات تحلیل اقتصادی، اصطلاحات «تحلیل اقتصادی حقوق»، «رویکرد اقتصادی به حقوق»، «اقتصاد حقوق» و «حقوق و اقتصاد»، علی‌الأصول، در یک معنا به کار می‌روند.^۱ مثلاً در بسیاری از کتب و مقالات معتبر، به جای تحلیل اقتصادی حقوق، از اصطلاح حقوق و اقتصاد استفاده شده^۲ و در تعریف آن گفته شده، حقوق و اقتصاد «عبارت است از به کارگیری نظریه اقتصادی (عمدتاً اقتصاد خرد و مفاهیم اساسی اقتصاد رفاه) در بررسی شکل‌گیری، ساختار، فرآیندها و تأثیر اقتصادی حقوق و نهادهای حقوقی»^۳. این تعریف، همان تعریف تحلیل اقتصادی حقوق است. همچنین، گاه در بعضی متون، اصطلاح «حقوق و اقتصاد» به صورت مضاف و در ترکیب با موضوعات حقوقی به کار می‌رود، مانند عبارت «حقوق و اقتصاد قرارداد»، که منظور همان تحلیل اقتصادی قرارداد است. با وجود این، باید دقت نمود که حقوق و اقتصاد با تحلیل اقتصادی حقوق دو شاخه دارد: شاخه قدیمی که به آن «حقوق و اقتصاد قدیم» گفته می‌شود و عبارت است از تحلیل نهادها و قوانینی که حاکم بر فعالیت‌هایی است که واجد جنبه اقتصادی هستند. قدمت این شاخه به آدم اسمیت بر می‌گردد و از لحاظ کمیت، بخش عمده تحلیل‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. این نوع تحلیل، از جمله، شامل تحلیل قوانین ضدتر است، قوانین مالیاتی، قوانین مربوط به شرکت‌ها و ... می‌باشد که مستقیماً به فعالیت‌های اقتصادی مربوط هستند. شاخه دیگر تحلیل اقتصادی که به آن «حقوق

¹ Posner, Richard (2015), "Norms and Values in the Economic Approach to Law", in Hatzis, and Economics: Philosophical Issues and Aristides & Mercurio, Nicholas(eds.), "Law Fundamental Questions", New York: Routledge, p.1 (pp. 1-15).

^۲ مثلاً کتاب معروف توماس یولن و رابرت کوتر، «حقوق و اقتصاد» نام دارد. ریچارد پازنر نیز، در یکی از مقالات خود، حقوق و اقتصاد را به معنای تحلیل اقتصادی حقوق به کار برده است. نک: .

Posner, Richard (1987), "The Law and Economics Movement", The American Economic Review, vol. 77, no. 2, pp. 1-13.

برخی از محققان نیز از هر دو اصطلاح، در یک معنا و به طور جایگزین، استفاده کرده‌اند. نک:

Devlin, Alan(2015), "Fundamental Principles of Law and Economics", Abingdon(United Kingdom): Routledge.

³ Mercurio, Nicholas & Medema, Steven (2006), "Economics and the Law: from Posner to Postmodernism and beyond", p. 1;

و برای تعاریف مشابه، نک: بیکس، برایان (۱۳۸۹)، فرهنگ نظریه حقوقی، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، ص ۱۷۱؛ بنا به نظر بیکس، تحلیل اقتصادی حقوق یا حقوق و اقتصاد عبارت است از: کاربرد انواع تحلیل‌های اقتصادی در موضوعات مختلف حقوقی، و نیز نک:

Brion, Denis (2000), "Norms and Values in Law and Economics", in Bouckaert, Boudwijn & De Gerrit, Gerrit (eds.), "Encyclopedia of Law and Economics, vol. I, p. 1042; Veljanovski, Cento (2006), "The Economics of Law, p. 24

و اقتصاد جدید» می‌گویند شامل تحلیل قواعد حاکم بر فعالیت‌های غیربازاری مانند قواعد مسئولیت مدنی است. قدمت این شاخه به حدود شصت سال پیش بر می‌گردد.^۱

۴- وجاهت قانونی تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل

در حوزه تحریم‌ها قانونی بودن و مشروعیت دو واژه مجزا از یکدیگر هستند. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران تحت رژیم تحریمی شورای امنیت نیز قرار گرفت، برخی کشورها و سازمان‌ها نظیر اتحادیه اروپا، از آن به عنوان پشتوانه‌ای جهت توجیه تحریم‌های یکجانبه خویش علیه ایران استفاده کردند. از این رو، در این بخش ابتدا به تحریم‌های شورای امنیت پرداخته شده و سپس، تحریم‌های یکجانبه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱- تحریم‌های شورای امنیت

پس از ارسال موضوع توسط شورای حکام به شورای امنیت، در اولین گام رئیس شورای امنیت مبادرت به صدور بیانیه‌ای نمود که به بیانیه رئیس شورا مشهور است. رئیس آرژانتینی شورای امنیت در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۰۶ (۹ فروردین ۱۳۸۵)، طی بیانیه‌ای موضوع این مرجع در ارتباط با موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد.^۲ در این بیانیه، به رغم این که بر حق دولت‌های عضو معاهده منع گسترش مبنی بر استفاده از انرژی هسته‌ای در جهت مصارف صلح‌جویانه بدون تبعیض تأکید گردید، شورای امنیت بدون ارائه هرگونه دلیل و مدرکی از ایران تقاضا نمود تا اقدامات درخواستی شورای حکام آژانس به ویژه تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و باز فرآوری را انجام دهد و از مدیر کل آژانس درخواست کرد که ظرف ۳۰ روز، گزارشی را در ارتباط با اقدامات انجام شده توسط ایران ارسال دارد. بیانیه رئیس شورای امنیت در قالب دستور کار عدم اشاعه صادر شد.

شورای امنیت در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ (۹ مرداد ۱۳۸۵) قطعنامه ۱۶۹۶ را تحت ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد. در این قطعنامه، شورا با تأکید بر قطعنامه‌های گذشته شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بیانیه پیشین

¹ Posner, Richard (1981), "The Economics of Justice", Cambridge: Harvard University Press, p. 4; also see: Posner, Richard (1987), "The Law and Economics Movement", The American Economic Review, vol. 77, no. 2, pp. 1-13; Posner, Richard (2005), "The Law and Economics Movement: from Bentham to Becker", in Parisi, Francesco & Rowley, Charles(eds.), "The Origins of Law and Economics: Essays by the Founding Fathers", p. 328(328-349)

² UN Doc , 29 March 2006.

³ UN Dos , 31 July 2006.

خویش، از ایران تقاضا کرد که تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی شامل تحقیق و توسعه را به حالت تعلیق در آورد. در بند ۹ مقدماتی قطعنامه ۱۶۹۶ گرچه شورا به مسئولیت اولیه خود طبق منشور (ماده ۲۴ منشور) در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اشاره نمود و نسبت به خطرات اشاعه برنامه هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرد، با وجود این شورا در این قطعنامه مشخصاً هیچ یک از وضعیت‌های ماده ۳۹ منشور را شناسایی و احراز نمود. بین دو حالت صدور قطعنامه طبق ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد و صدور قطعنامه تحت خود فصل هفتم منشور، باید قائل به تفکیک گردید. از حیث حقوقی، بارزترین اثر این تفکیک به درجه تبعات قانونی تصمیم شورا باز می‌گردد. در حالی که قطعنامه‌های صادره طبق فصل هفتم بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ فقط چنانچه منطبق با منشور باشند برای تمامی اعضای سازمان لازم‌الاتباع خواهند بود، قطعنامه‌های صادره با استناد به ماده ۴۰ منشور صرفاً با هدف جلوگیری از وخامت اوضاع صادر گردیده و علی‌الأصول فاقد آثاری قانونی همانند قطعنامه‌های الزام‌آور فصل هفتم برای دولت‌های مخاطب تصمیم شورا هستند.

شورای امنیت، متعاقباً مبادرت به صدور قطعنامه‌های ۱۷۳۷ (S/RES/1737) ۱۷۴۷ (S/RES/1747) ۱۸۰۳ (S/RES/1803) و ۱۹۲۹ (S/RES/1929) تحت ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد به منظور وضع تحریم‌هایی علیه ایران نمود. شورا همچنین قطعنامه‌های ۱۸۳۵ (S/RES/1835) ۱۹۸۴ (S/RES/1984) ۲۰۴۹ (S/RES/2049) ۲۱۰۵ (S/RES/2105) و ۲۱۵۹ (S/RES/2159) را تحت ماده ۴۱ فصل هفتم منشور صادر نمود. این قطعنامه‌ها به تمدید مأموریت گروه کارشناسان کمیته تحریم و درخواست همکاری کشورها با گروه می‌پردازند.

تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت پس از ارسال موضوع هسته‌ای ایران به این شورا از سوی شورای حکام و صرفاً به دلیل مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای صادر شده‌اند. با بررسی بندهای مقدماتی قطعنامه‌های شورای امنیت، می‌توان به دلایل و منشأ صدور قطعنامه‌ها پی برد. شورا در این بندها با یادآوری برخی عناصر به شرح زیر، متعاقباً تحت فصل هفتم منشور اقدامات اجرایی را مقرر کرده است: تعهد شورا به معاهده عدم اشاعه، حق کشورهای عضو در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، ابراز نگرانی از گزارش‌های مدیر کل و قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، ابراز نگرانی از عدم تعلیق غنی‌سازی و عدم اجرای پروتکل الحاقی توسط ایران، قصد شورا برای وضع اقداماتی برای ترغیب ایران به انجام تعهداتش، ابراز نگرانی از خطرات اشاعه‌ای برنامه هسته‌ای ایران، اشاره به مذاکرات سیاسی، ابراز نگرانی از غنی‌سازی ۲۰ درصدی و ساخت فردو. از این رو، هرچند شورا اقدامات اجرایی تحریمی متعددی

را در حوزه‌های مختلف مقرر کرده است، اما باید توجه داشت که این اقدامات دارای منشأ هسته‌ای هستند. در این چارچوب، هر جایی که به برنامه موشکی نیز اشاره شده است، منظور شورا همان‌گونه که در بندهای مربوط تصریح شده است، برنامه موشکی برای حمل یا پرتاب سلاح هسته‌ای است. از این رو، این قطعنامه‌ها فاقد منشأ دیگری جز برنامه هسته‌ای هستند.

لازم به توضیح است ایران و ۱+۵ (پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و آلمان) پس از مذاکرات طولانی، در ۱۴ ژولای ۲۰۱۵^۱ بر سر متنی تحت عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام» با هدف برداشتن تحریم‌های هسته‌ای و انجام اقدامات اعتمادساز در برنامه هسته‌ای ایران، به تفاهم رسیدند. برابر بند ۱۸ برجام مقرر گردید. تمام مفاد قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت در خصوص موضوع هسته‌ای ایران، همزمان با اجرای اقدامات توافق شده مرتبط با برنامه هسته‌ای توسط ایران که توسط آژانس نیز راستی‌آزمایی شده است، لغو گردد و محدودیت‌های خاصی نیز وضع شود.^۲ از این رو، شورای امنیت طی قطعنامه ۲۲۳۱ مورخ ۲۰ ژولای ۲۰۱۵ خود، ضمن تأیید برجام و درخواست اجرای کامل آن، در بند ۱۸ تصمیم گرفت که با دریافت گزارش آژانس، مفاد قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹ و ۲۲۲۴ باید لغو شوند. برابر بند هشت قطعنامه نیز شورای امنیت وفق ماده ۴۱ منشور ملل متحد تصمیم گرفت ۱۰ سال پس از روز توافق برجام، تمام مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ شورا نیز باید لغو شوند، شورا رسیدگی به موضوع هسته‌ای ایران را پایان داده و موضوع عدم اشاعه از فهرست موضوعاتی که در دستور کار شورای امنیت قرار دارند، خارج خواهد شد. (SC / Res / 2231 , 20 July 2015).

برخی بر این باورند که هیچ قاعده حقوقی، شورای امنیت را در رابطه با مسئولیتش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی محدود نمی‌کند. در توجیه این رویکرد، استدلال می‌شود که به منظور تضمین تداوم وجود بشریت، ضروری است تا اختیارات نامحدودی به یک نهاد برای مواجهه با هرگونه تهدید منصور علیه صلح و امنیت بین‌المللی واگذار شود. از این منظر، رفع محدودیت‌های قانونی علیه چنین نهادی، در صورت مواجهه جامعه بین‌المللی با بازیگرانی که تمام قواعد حقوقی را نادیده گرفته و به طور جدی صلح و امنیت

^۱ روز تصویب برجام، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ و روز اجرای آن نیز ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ است.

^۲ رثوس کلی این محدودیت‌ها عبارتند از: اخذ مجوز مورد به مورد دولت‌ها از شورای امنیت تا ۱۰ سال برای عرضه، فروش یا انتقال اقلام، مواد، تجهیزات و فناوری‌های هسته‌ای مندرج در فهرست گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای به ایران و تا هشت سال برای فهرست مندرج در رژیم کنترل فناوری موشکی و تا پنج سال در خصوص برخی انواع تسلیحات خاص؛ درخواست از ایران برای عدم انجام فعالیت مرتبط با موشک بالستیک طراحی شده برای حمل سلاح هسته‌ای تا هشت سال یا زمان ارائه گزارش آژانس در مورد نتیجه‌گیری گسترده‌تر.

بین‌المللی و موجودیت بشر را تهدید می‌نمایند، آن را در وضعیت ضعیفی قرار می‌دهد.^۱ از طرفی سازمان ملل و ارکان آن باید در چارچوب نظم حقوقی بین‌المللی اقدام کنند و از این رو، محدود به اصول عمومی حقوق هستند که برابر ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، یکی از منابع (تکمیلی افرعی) حقوق هستند که دیوان از آنها استفاده می‌کند. قاضی ویرامتری در قضیه لاکربی اظهار داشت: «تاریخ منشور ملل متحد، این دیدگاه را تأیید می‌کند که یک محدودیت شفاف در مورد اختیارات شورای امنیت این است که این اختیارات باید در مطابقت با اصول حقوق بین‌الملل اعمال شوند».^۲

اولین هدف منشور در بند یک ماده یک، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. گروه دوم اهداف سازمان ملل، برابر بند دوم ماده یک منشور به این شرح هستند: توسعه روابط دوستانه میان ملل بر اساس احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم، اتخاذ دیگر اقدامات مناسب برای تقویت صلح جهانی. از این رو، اقدامات شورای امنیت برای تضمین صلح و امنیت بین‌المللی باید به اصل حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت مردم احترام بگذارد و صلح جهانی را نیز به مخاطره نیندازد. هدف سوم سازمان ملل برابر بند سه ماده یک منشور، دستیابی به همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی با ویژگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه و ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه و بدون تبعیض است. چنین هدفی، صرفاً هنگامی محقق می‌شود که نه تنها شورا و کشورهایایی که تحت اقتدار آن عمل می‌کنند احترام به حقوق بشر را ارتقاء دهند و آن را ترغیب نمایند، بلکه خود نیز به حقوق بشر به طور واقعی احترام بگذارند.

از این رو، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند در پرتو ماده یک منشور ارزیابی شوند. سؤالاتی که در این رابطه ارزیابی می‌شوند، عبارتند از: آیا تحریم‌ها به توسعه روابط دوستانه میان ملل کمک می‌کنند؟ آیا تحریم‌ها با اصل حقوق برابر مردم سازگاری دارند؟ آیا تحمیل تحریم‌ها از اصل حق تعیین سرنوشت ناشی می‌شود با محدودیتی نسبت به این حق به شمار می‌آید؟ آیا تحریم‌ها به حل مشکلات بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه کمک می‌کنند؟ آیا تحریم‌ها احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان را ترویج و ترغیب می‌نمایند؟

۴-۲- تحریم‌های ایالات متحده آمریکا

^۱ فرخ‌سیری، منصور (۱۳۸۷)، محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی، حقوق بین‌المللی، شماره ۳۹، ص ۴۱.

^۲ Ibid, p 8.

هر تحریمی که خارج از چارچوب شورای امنیت اعمال شود، تحریم یکجانبه تلقی می‌گردد. یکجانبه‌گرایان در آمریکا بر این باورند که رویکرد مدعی در سیاست خارجی با هر دو مبانی عمل‌گرایی و ایدئولوژیکی قابل توجیه است. چارلز کراتامر، در مورد فلسفه یکجانبه‌گرایی آمریکایی معتقد است که جوهره یکجانبه‌گرایی این است که ایالات متحده به دیگران اجازه نمی‌دهد تا آن را از پیگیری منافع امنیتی بنیادین خود و جهان آزاد باز دارد.^۱ از دید آمریکا تحریم‌ها هر نوع محدودیت یکجانبه‌ای است که نسبت به فعالیت اقتصادی در ارتباط با یک کشور یا نهاد خارجی و بنابر دلایل سیاست خارجی یا امنیت ملی اعمال می‌شود.^۲ تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، بلافاصله بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ آغاز شد و در سراسر جنگ عراق علیه ایران ادامه یافت. شروع تحریم‌ها نیز با فریز دارایی‌های ایران در آمریکا طی دستور اجرایی ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ بوده است.^۳ باور عمومی بر این است که این اقدام، صرفاً پاسخی به تسخیر سفارت آمریکا در ایران بوده است. این باور، نقش و منافع نهادهای مالی و شرکت‌های آمریکایی در این تحریم را نادیده می‌گیرد.^۴

موافقتنامه‌های دوجانبه مختلفی میان دولت‌های مختلف برای قاعده‌مند کردن روابط و تجارت بین‌المللی منعقد شده است که لازم‌الاجرا هستند. سؤال مهم این است که آیا تحریم‌های ثانویه آمریکا با تعهدات آن تحت موافقتنامه‌های دوجانبه با کشورهای ثالث، پایبندی دارد یا نه؟ تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اعم از اولیه و ثانویه، عهدنامه ۱۹۵۵ مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا، که به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری بخشی از مجموعه قوانین قابل اعمال در روابط ایران و آمریکا است، را نقض می‌کند.^۵ طبق بند یک ماده ۱۱ این عهدنامه، «بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود». به موجب بند ۲ ماده ۸ نیز «هیچ‌یک از طرفین معظمین متعاهدین محدودیت‌ها و ممنوعیتی نسبت به ورود هرگونه محصول طرف معظم متعاهد دیگر یا نسبت به صدور هرگونه محصولی به قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر قائل نخواهد شد، مگر اینکه ورود محصول مشابه از کلیه کشورهای ثالث یا صدور محصول مشابه به کلیه کشورهای ثالث همچنان محدود یا ممنوع شده باشد».

^۱ Krauthammer, 2002, p 45.

^۲ U . S Government Accountability Office , 2008 . p 1.

^۳ Fayazmanesh, 2008, p2.

^۴ Fayazmanesh, 2003, p 223.

^۵ بند یک بیانیه الجزایر مقرر می‌دارد: آمریکا متعهد می‌شود سیاست این کشور، عدم مداخله سیاسی یا نظامی مستقیم در امور داخلی ایران باشد و خواهد بود.

^۶ ICJ Reports, 1980, p28.

با توجه به نمونه‌های فوق، می‌توان گفت که تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه کشورهای ثالث نه تنها اصول منشور ملل متحد را نقض می‌کند، بلکه با موافقتنامه‌های دوجانبه تجاری و دولتی نیز در مغایرت قرار دارند. با در نظر گرفتن تأثیرات منفی تحریم‌های یکجانبه و ثانویه بر کشور هدف یا اقتصاد یک کشور ثالث، این تحریم‌ها به طور قطع یک اقدام دوستانه و یا مودت‌آمیز نبوده و به نقض تعهدات تحت موافقتنامه‌های دوجانبه می‌انجامند. از این رو، تحریم‌های ثانویه آمریکا، حرکت خطرناکی به سمت بی‌اعتبارسازی معاهدات بین‌المللی و نقض اصل وفای به عهد است.

تحریم‌های ثانویه بر اساس اصل صلاحیت فراسرزمینی اعمال شده و نقض قواعد حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. امروزه، اعمال صلاحیت فراسرزمینی توسط دولت آمریکا سبب ایجاد تعارض‌های جدی بین قوانین آمریکا و کشورهای دیگر شده است. سؤال اساسی این است که به عنوان یک موضوع حقوق بین‌الملل، آیا آمریکا می‌تواند اشخاص در خارج از صلاحیت خود را وادار به اجرای تحریم‌های خود نماید؟ این توافق بین حقوقدانان و صاحب‌نظران وجود دارد که صلاحیت، جنبه‌ای از حاکمیت است. اعمال صلاحیت سرزمینی دولت‌ها نسبت به اشخاص خود در قلمروشان یک مفهوم پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل عرفی است. از آنجا که کشورها مستقل و از لحاظ حقوقی تحت حقوق بین‌الملل برابر هستند، هیچ دولتی نمی‌تواند صلاحیت خود را بر سرزمین دولت دیگر بدون توافق آن اعمال نماید. کشورها به سختی نسبت به مقررات یا دستورهای که به تمامی شهروندان کشور تحریم‌کننده اعمال می‌شود، اعتراض می‌کنند. چنانچه ایالات متحده تصمیم بگیرد که هیچ شهروند آمریکایی با یک کشور مشخص و بدون اخذ مجوز ویژه تجارت نکند، کسی استدلال نخواهد کرد که اگر این محدودیت‌ها علیه شهروندان آمریکایی در سایر کشورها نیز اعمال شود، حاکمیت این کشورها نیز نقض می‌شود. نکته مناقشه‌آمیز اینجاست که این محدودیت‌ها به کشورهای دیگری که با کشور تحت تحریم آمریکا نیز تجارت می‌کنند، اعمال می‌گردد.

۵- راهکارهای حقوقی - اقتصادی در مقابله با تحریم‌های فرامرزی

این واقعیت که در بسیاری مواقع مجازات‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل به نقض قواعد و موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه منجر شده است، این سوال را پیش می‌کشد که آیا امکان مقابله زیان‌دیدگان یا دول تحت مجازات برای جبران خسارات و لطمات وارده به آنان وجود دارد؟

آیا زیان‌دیدگان تحریم‌های فرامرزی می‌توانند در مراجع قضایی داخلی یا خارجی علیه تصمیمات شورای امنیت طرح دعوا کنند و خواهان جبران خسارت شوند؟ حدود این مسئولیت تا کجاست؟ طرح

مسئولیت احتمالی سازمان ملل نسبت به عواقب سوءانسانی تحریم‌های اقتصادی و سایر تحریم‌های اتخاذ شده توسط شورای امنیت، مسائل و مشکلاتی را از نظر انتساب به وجود می‌آورد. چرا که هر چند تصمیم به اتخاذ مجازات‌های سازمان ملل توسط شورای امنیت صورت می‌گیرد، این دولت‌های فردی هستند که آنرا اجرا می‌کنند. در این میان کدامیک را باید مسئول شناخت؟ در صورت منفی بودن مسئولیت سازمان ملل آیا می‌توان دول عضو سازمان را مسئول دانست؟ در مورد تحریم‌های اقتصادی مسئله دیگری که مطرح می‌شود اینست که تا چه اندازه لطمات وارده به جمعیت غیرنظامی دول تحت مجازات و محرومیت آنها از حقوق اولیه به هنگام اعمال این تحریم‌ها را باید به تحمیل مجازات‌های اقتصادی نسبت داد و تا چه اندازه نخبگان حاکم را مسئول لطمات وارده دانست؟ البته پاسخ به همه این سوالات از حوصله بحث این پژوهش خارج است. آنچه در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد، موضوع امکان تجدیدنظرخواهی از تحریم‌های شورای امنیت و طرح دعوا علیه آن در مراجع قضایی بین‌المللی به دلیل نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است.

۱-۵- دادخواهی و امکان بازنگری در تحریم‌های شورای امنیت

به دلایل مختلف، دیوان بین‌المللی دادگستری که مطابق ماده ۹۲ منشور رکن قضایی اصلی ملل متحد است، می‌تواند بهترین مرجع رسیدگی به موضوع قانونی بودن تصمیمات شورای امنیت باشد. از آنجا که مجازات‌ها از سوی یکی از نهادهای اصلی و بلکه مهم‌ترین نهاد زیرمجموعه سازمان ملل متحد یعنی شورای امنیت اتخاذ می‌شود، منطقی‌ترین راه ارزیابی مشروعیت قانون تصمیمات شورا، رجوع به رکن قضایی اصلی ملل متحد، یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری خواهد بود. اما مساله این است که شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری تنها نهادهای ملل متحد هستند که می‌توانند تصمیمات الزام‌آور اتخاذ کنند.^۱ به دلیل همین برابری شکلی، هیچ یک از این دو رکن اصلی سازمان، تکلیفی به تمکین در برابر تصمیمات آن دیگری ندارد. یک راه حل، البته امکان تجدیدنظر قطعنامه‌های شورا توسط دیوان است.

با این حال، دیوان در آرای گذشته خود نشان داد که برای تجدیدنظرکردن تصمیم‌های شورا به موجب فصل ۷ منشور بی‌میل است.^۲ موضوع صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای اظهار نظر راجع به قانونی بودن تصمیمات شورای امنیت (بویژه قطعنامه‌های شورا مطابق فصل ۷ منشور) در دو قضیه لاکربی و اعمال کنوانسیون نسل‌کشی مورد توجه قرار گرفت. در قضیه اول، به دنبال اعتراض دولت لیبی به قطعنامه‌های شورای

^۱ ارکلش ویلی (۱۳۸۴)، تاثیر قواعد آمره حقوق بین‌المللی بر تفسیر و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷، ص ۵۹.

^۲ نظری (۱۳۹۳)، پیشین، ص ۱۰۰.

امنیت مبنی بر اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور به دلیل امتناع از تحویل دو لیبیایی متهم به انفجار هواپیمای شرکت پان امریکن به ایالات متحده یا بریتانیا به استناد کنوانسیون مونترال، دیوان بایست راجع به موضوع قانونی بودن تصمیمات شورا علیه لیبی که به دلیل بروز تعارض میان منشور و کنوانسیون مونترال مطرح شده بود، اظهار نظر نماید.^۱ در قضیه دوم سوال این بود که آیا قطعنامه (۱۹۹۱/۷۱۳) شورا در اتخاذ مجازات‌های تسلیحاتی علیه بوسنی و هرزگوین، حق این سرزمین در دفاع مشروع در برابر نسل‌کشی را نقض نمی‌کند؟^۲ بدیهی است پاسخ به این سوال منوط به اظهار نظر دیوان راجع به قانونی بودن قطعنامه شورای امنیت بود. البته لاقفل در این دو قضیه، دیوان ابداً راجع به صلاحیت خود در این خصوص اظهار نظر نکرد. از این رو بحث‌ها در موافقت و مخالفت با امکان تجدیدنظرخواهی علیه تصمیمات شورا در دیوان بین‌المللی دادگستری کماکان ادامه دارد.

۵-۲- دادخواهی اشخاص حقیقی و حقوقی علیه تحریم‌های شورای امنیت

کمیته‌های مجازات که معمولاً در پی وضع مجازات‌های اجباری تاسیس می‌شود، مرکب از نمایندگان دولت‌های عضو شورای امنیت است و از سوی یک گروه ناظر بر مجازات‌ها^۳ پشتیبانی می‌شود و این گروه اطلاعات لازم را برای رفع نواقص احتمالی در اختیار کمیته قرار می‌دهد. اولین کمیته مجازات در سال ۱۹۶۸ و برای نظارت بر اجرای مجازات‌ها علیه رودزیا به وجود آمد.^۴ ساز و کار وارد یا خارج کردن اشخاص در فهرست در کمیته صورت می‌گیرد. با انتقاداتی که از این روند صورت گرفت، اصلاحاتی در این روند به عمل آمد، اما همچنان هیچ‌گونه مرجع شبه قضایی برای رفع نگرانی‌های موجود از نقض حقوق اشخاص به وجود نیامد.

طرز عمل شورای امنیت در تشکیل کمیته مجازات و اعمال مجازات علیه افراد و نهادهای مختلف، بی‌آنکه همزمان به آنها امکان شکایت یا استماع دفاعیاتشان نزد شورای امنیت با کمیته مجازات داده شود، مشکلات حقوقی مهمی ایجاد میکند که یکی از آنها مساله حقوق بشر و عدم امکان دفاع برای متهم است،^۵ به گونه‌ای که حتی امکان دادخواهی نزد محاکم ملی نیز برای آنها وجود ندارد. چرا که طبق ماده ۲۰ منشور،

^۱ رک به قضیه: (Libya v . UK) ICI Reports, ۱۹۹۲

^۲ رک به : (Bosnia and Herzegovina v . Yugoslavia) ICI Reports 1993

^۳ Analytical Support and Sanctions Monitoring Team.

^۴ Weschler, Joanna (2009), the evolution of security council innovations in sanctions. 65 Int'l J. 31 2009-2010. pp.37-38

^۵ ممتاز و متوسل (۱۳۹۲)، پیشین، ص ۳۷.

دولت‌ها از جمله دادگاه‌های ملی کشورها موظف به «پذیرش و انجام تصمیمات شورای امنیت» مطابق با منشور هستند. تصمیم یک دادگاه ملی بر محکومیت مجازات‌های سازمان ملل علیه اشخاص، معیارهای حقوق بین‌الملل خاص را نقض می‌کند و این امر مغایر سیستم امنیت دسته‌جمعی است. همین مشکلات در ارتباط با تصمیمات محاکم منطقه‌ای نیز وجود دارد.^۱

اما راجع به صلاحیت محاکم ملی کشورها در تجدیدنظر نسبت به تصمیمات شورای امنیت، باید گفت این راه نیز با مشکلات حقوقی جدی مواجه است. مطابق ماده ۱۰۵ منشور سازمان «در سرزمین هر یک از اعضایش از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای برآوردن اهدافش ضروری است برخوردار خواهد بود». کنوانسیون امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد ۱۹۴۶ نیز که همه دول عضو سازمان به آن ملحق شده‌اند یا به هر شکلی مصونیتها و امتیازات مقرر در آنرا پذیرفته‌اند، مصونیت سازمان ملل را در هر نوع روند قضایی^۲ ضروری می‌شناسد. علاوه بر این، دولت‌های بسیاری در قوانین داخلی خود ملل متحد را مطلقاً از هرگونه طرح دعوا مصون شناخته‌اند.^۳ مهم‌تر از این، از نظر حقوق بین‌الملل، تعهدات دول عضو ملل متحد به موجب منشور، بر هر تعهد دیگر آنان به موجب معاهدات دیگر اولویت دارد. (ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد). با این حال، محاکم داخلی برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ترکیه، سوئیس، هلند و پاکستان با طرح دعاوی اشخاصی مواجه بوده‌اند که در لیست سیاه اشخاص تحت مجازات قرار داشتند.^۴

۶- نتیجه‌گیری

تحریم‌های یک‌جانبه‌ی ایالات متحده در جهت اعمال فشار اقتصادی بیشینه و اخلال نظام اقتصاد ملی ایران موفق عمل کرده‌اند و آثار ویرانگری را از حیث اقتصادی به ویژه بر معیشت مردم ایران تحمیل کرده‌اند؛ لذا هیچ یک از راهکارهای مطرح شده (اعم از اقتصاد مقاومتی، غیر قانونی جلوه دادن با استناد به اسناد حقوق بین‌الملل، اقدام متقابل، اتکا به معافیت‌های بشردوستانه، دادخواهی در مراجع قضایی بین‌المللی و ...) نتوانسته‌اند از تأثیر ویرانگر تحریم‌ها جلوگیری کنند و اهداف دولت ایالات متحده آمریکا از تحریم‌ها برای ایجاد فشار

^۱ Den Herik, op.cit, pp. 798-799

^۲ راجع به امتیازات و مصونیت‌های سازمان ر.ک به

Schiochauer, H. J. Arbitration, in: Bernhardt (ed), Encyclopedia of Public international law, vol 5. 1981 pp. 152-159.

^۳ UNSC, Sixth Report of the Monitoring Team' (8 March 2007) UN Doc S/2007/132, annex I, 38-40.

حداکثری تا حد زیادی محقق است. با توجه به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی و مفاد اسناد بین‌المللی نظام ملل متحد تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و جاهت قانونی ندارد و از منظر بایسته‌های بشردوستانه مشروعیت اخلاقی آن نیز منتفی است. اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران موجب شده است فشارهای اقتصادی شدید بر مردم ایران تحمیل شود و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با آثار سوء مربوط به شاخص‌هایی مانند تورم، کاهش ارزش پول ملی، رکود اقتصادی، کاهش قدرت خرید، محدودیت مسافرت و تجارت، نرخ بیکاری و ... آسیب‌های ویرانگری به ویژه نسبت به طبقه متوسط و اقشار آسیب‌پذیر اقتصادی در پی داشته است. با توجه به شرایط اقتصادی نامطلوب و بحران اقتصادی حاکم بر معیشت مردم ایران، نقض حقوق بشری اساسی آن‌ها از جمله حق حیات، حق بر سلامتی و بهداشت، حق زندگی شرافتمندانه، حق بر سرپناه، غذا و نیازهای ضروری، حق آزادی مسافرت و تجارت، حق بر توسعه اقتصادی و اجتماعی و ... را نقض کرده و آشکارا مغایر با بایسته‌های بشردوستانه نمود می‌یابد. طراحی و اجرای اقتصاد مقاومتی در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه‌ی ایالات متحده نتوانسته است آثار مخرب تحریم‌ها بر معیشت مردم را تعدیل نماید و صرفاً از فروپاشی نظام اقتصادی جلوگیری کرده و به ادامه حیات نظام اقتصادی ملی در شرایط بحرانی و آسیب‌پذیر انجامیده است؛ لذا از منظر اقتصادی صرف، در پیش گرفتن سیاست تساهل، مذاکره و مصالحه منتهی به لغو تحریم‌ها در راستای تأمین حداکثری منافع ملی بهترین راهبرد به نظر می‌رسد.

منابع و مراجع

- ۱- ارکلش ویلی (۱۳۸۴)، تاثیر قواعد آمره حقوق بین‌المللی بر تفسیر و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ پنجم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۳- ساعدوکیل، امیر و تحصیلی، زهرا (۱۳۹۳)، ایران و تحریم‌های بین‌المللی، چاپ اول، تهران: مجد.
- ۴- ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید (۱۳۷۵)، مباحث حقوق بین‌الملل: تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، سیاست خارجی، شماره ۴۱.

- ۵- علیزاده، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۲۶.
- ۶- علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۷)، مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق: جستاری در نظریه‌های جامعه‌شناسی حقوق و بنیادهای حقوق ایران، چاپ اول، تهران: سمت.
- ۷- عنابستانی، ابوالحسن (۱۳۹۲)، تحریم‌های اقتصادی و حقوق بنیادین بشر، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۸- فرخ‌سیری، منصور (۱۳۸۷)، محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی، حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹.
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ بیست و سوم، تهران: سهامی انتشار.
- ۱۰- ممتاز، جمشید (۱۳۶۰)، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۲۲.
- ۱۱- نوری، جعفر و آخوندی، عبدالرشید (۱۳۹۲)، «تحلیل اقتصادی حقوق در باب مرور زمان»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره ۵.

منابع لاتین

- 12- Birkhauser, Noah (2018), "Sanctions of the Security Council against Individuals – Some Human Rights Problems", European Society of International Law, <<http://www.esil-sedi.org/english/pdf/Birkhauser.pdf>>, May 2018.
- 13- Brion, Denis (2000), "Norms and Values in Law and Economics", in Bouckaert, Boudwijn & De Gerrit, Gerrit (eds.), "Encyclopedia of Law and Economics, vol. I
- 14- Caruso, Raul (2010), "The impact of international economic sanctions on trade empirical analysis", Cattolica Del Sacro Cuore University, Milan..
- 15- Devlin, Alan (2015), "Fundamental Principles of Law and Economics", Abingdon (United Kingdom): Routledge.
- 16- Kornhauser, Lewis (2017), "The Economic Analysis of Law", The Stanford Encyclopedia of philosophy, Edward N. Zalta (ed.).

- 17- Mercurio, Nicholas & Medema, Steven (2006), "Economics and the Law: from Posner to Postmodernism and beyond".
- 18- Peksen, Dursun (2017), "Socio-Economic and Political Consequences of Economic Sanctions for Target and Third-Party Countries", University of Memphis.
- 19- Posner, Richard (1987), "The Law and Economics Movement", The American Economic Review, vol. 77, no. 2.
- 20- Posner, Richard (2015), "Norms and Values in the Economic Approach to Law", in Hatzis, and Economics: Philosophical Issues and Aristides & Mercurio, Nicholas(eds.), "Law Fundamental Questions", New York: Routledge.
- 21- Weschler, Joanna (2009), the evolution of security council innovations in sanctions. 65 Int'l J. 31 2009-2010